

بررسی شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار قاضی نعمان

یاسین زاهدی*

چکیده

شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار یکی از آثار قاضی ابی حنیفه نعمان بن محمد تمیمی، عالم اسماعیلی مذهب دربار فاطمیان است. این کتاب با امتیازات فراوانش، درباره فضایل، مناقب و نقاط مهم زندگانی شش امام نوشته شده: از امام علی علیه السلام تا امام صادق علیه السلام و دارای شانزده جزء است که ده جزء آن به فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام و جنگ‌های آن حضرت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و حوادث بعد از آن اختصاص دارد. قاضی نعمان که دلایل زیادی بر اثنا عشری نبودنش وجود دارد، در زمان «المعز لدین الله» خلیفه چهارم فاطمی به بالاترین مقام رسید و منصب قاضی القضاة را از طرف معز دریافت نمود. وی با وجود دست‌رسی به منابع فراوان کتاب‌خانه‌های بسیار غنی دربار، تمام مصادر خود را که از آنها استفاده نموده، نام نبرده و اسم منابع بسیار اندکی را ذکر کرده است. روش قاضی نعمان در تدوین شرح الاخبار، آن بود که اسناد را حذف و از تکرار پرهیز نموده به کتب دیگرش ارجاع می‌داد و چیزی را نمی‌نوشت مگر این که بر خلفای فاطمی عرضه می‌نمود و با ارشاد و موافقت آنها به نشر کتب می‌پرداخت و افکار آنها را خالصانه نشر می‌نمود.

واژه‌های کلیدی

شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، قاضی نعمان، آثار، مصادر، امتیاز، روش.

در دوران سلطه خلفای فاطمی بر مغرب، زمینه مناسب برای فعالیت فرهنگی به وجود آمد و عالمان از فرصت به وجود آمده استفاده نمودند و به ابراز وجود پرداختند، به ویژه در زمان «المعز لدین الله» (دوره حکومت ۳۴۱-۳۶۷ قمری) چهارمین خلیفه فاطمی که در زمان خلافت او، دو کتابخانه بزرگ یکی در شهر منصوریه و دیگری در قاهره وجود داشت و منابع فراوانی در آنها جای گرفته بود. وجود این کتابخانه‌ها کمک بزرگی برای دوست‌داران علم و عالمانی به شمار می‌آمد که در زمینه‌های مختلف از این منابع می‌توانستند فراوان استفاده کنند. قاضی ابی‌حنیفه نعمان بن محمد تمیمی یکی از این عالمان بود که از زمینه فراهم شده بهره کامل برد و از خود در موضوعات مختلف آثار ماندگاری باقی گذاشت و آثار وی در روند تکامل مذهب اسماعیلیه تأثیر به سزایی داشت. کتاب *دعائم الاسلام* او که عمدتاً در مسائل فقهی است، مذهب اسماعیلیه را از باطن‌گرایی به سوی عمل‌گرا شدن و شریعت سوق داد. کتاب *المجالس والمسایرات* او نیز شاه‌کاری ادبی - تاریخی است و مصدر مهم تاریخی - اعتقادی اسماعیلیه به حساب می‌آید.

در تحقیق حاضر کتاب *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار* قاضی نعمان بررسی می‌شود. این کتاب درباره فضایل و مناقب شش امام نوشته شده: از امام علی علیه السلام تا امام صادق علیه السلام و نیز قاضی مطالبی آورده است. این کتاب در درجه اول اعتقادات خود قاضی نعمان در مسأله امامت و در مرحله بعدی اعتقادات مذهب اسماعیلیه را بیان می‌کند. وی برخلاف دیگر اسماعیلیه به امامت امام حسن علیه السلام اعتقاد دارد و می‌گوید امامت او به واسطه صلحی که با معاویه نمود، زایل نشده؛ زیرا امامت از حقوق الهی و زایل‌نشدنی است.^۱

کتاب *شرح الاخبار* شانزده جزء است که ده جزء آن به فضایل و مناقب حضرت علی علیه السلام و به جنگ‌های آن حضرت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حوادث بعد از آن می‌پردازد.

شرح حال قاضی نعمان

قاضی ابی‌حنیفه نعمان بن عبدالله بن محمد بن منصور بن حیون تمیمی، در قیروان واقع در مغرب اوسط به دنیا آمد، سال تولد او به طور دقیق معلوم نیست. بعضی از نویسندگان اسماعیلی و غیراسماعیلی تولد او را بین سال‌های ۲۸۰ - ۲۹۰ قمری می‌دانند.

۱. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۲۳، چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۰۹ قمری.

أصف فیض اسماعیلی مذهب، تولد او را سال ۲۵۹ قمری^۱ ذکر می‌کند. به گفته دکتر مصطفی غالب، نویسنده اسماعیلی مذهب، قاضی نعمان در سال ۳۰۲ قمری در شهر مهدیه از پدر و مادر اسماعیلی متولد شد.^۲ در سال وفات او اختلاف نیست و همه وفات قاضی نعمان را سال ۳۶۳ قمری ذکر کرده‌اند.

شخصیت قاضی نعمان

ابن خلکان در *وفیات الاعیان* درباره قاضی نعمان می‌گوید:

وی عالمی جلیل‌القدر و در غایت فضل و اهل قرآن بود.^۳

ابن زولاق در تاریخ مصر چنین می‌نویسد:

قاضی نعمان، در غزرات فضل، از امثال خود ممتاز و در قرائت قرآن از اقران خود مستثنا بود. در وجوه تفسیر و تأویل بدیل و عدیل نداشت و در مراتب فقهیه بر همگان فایق بود و بر کل اختلاف اقوال فقها عالم گشت و در فن لغت محیط و بر اشعار فحول عارف شد.^۴

امیر مختار مسیحی در کتاب تاریخی‌اش می‌گوید:

قاضی نعمان اهل علم، فقه و دین بود و در بزرگی به مرتبه‌ای رسید که مزیدی بر آن متصور نبود.^۵

علامه مجلسی و میرزا نوری و تعداد زیادی از علمای شیعه از او به نیکی یاد می‌کنند.^۶ قاضی نعمان در نزد پیروان مذهب اسماعیلیه جایگاه خاصی دارد. از او با الفاظ ویژه‌ای تجلیل می‌کنند و تعابیر ویژه‌ای را به کار می‌برند؛ مانند: «سیدناالواحد»، «القاضی‌الاجل» و «سیدناالقاضی».^۷

۱. *المجالس و المسایرات*، ص ۶ چاپ دوم، دارالعرب اسلامی، بیروت ۱۹۹۷.

۲. *تاریخ الدعوة الاسماعیلیه*، ص ۱۹۸، چاپ دوم، دارالاندلس، بیروت: بی‌تا.

۳. *وفیات الاعیان*، ج ۵، ص ۴۱۵، دار صادر، بیروت، بی‌تا.

۴. همان، ص ۴۱۵.

۵. همان، ص ۴۱۶.

۶. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱، ص ۳۸؛ میرزا شیخ حسین نوری، *خاتمه مستدرک*، ج ۱، ص ۱۶۰، چاپ اول، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۵ قمری.

۷. *شرح الاخبار*، ج ۱، ص ۱۷ (مقدمه تحقیق)، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۰۹ قمری.

مناصب قاضی نعمان در دربار خلفای فاطمی

وی بین سال‌های ۳۱۳ - ۳۲۲ قمری اواخر عمر «المهدی» خلیفه فاطمی (متوفای ۳۲۲ قمری) اخبار روزانه را به خلیفه گزارش می‌نمود.^۱ در زمان «القائم بامرالله» خلیفه دوم فاطمی متوفای ۳۳۴ قمری نیز وقایع روزانه را گزارش می‌کرد و برای اسماعیل فرزند قائم، تاریخ را مرور می‌نمود و در خدمت او بود و کتب او را جمع‌آوری و نسخه‌برداری می‌نمود. زمانی، که اسماعیل، سومین خلیفه فاطمی قدرت را به دست گرفت و به «طاهر المنصور بالله» لقب یافت، رتبه قاضی‌نعمان بالا گرفت و قاضی شهر طرابلس شد و به امر منصور در مسجد جامع قیروان نماز جمعه اقامه می‌نمود و خطبه می‌خواند. در فرمان دیگری از سوی منصور منصب قضایی شهرهای قیروان، مهدیه و دیگر شهرهای آفریقا نیز به وی سپرده شد.^۲

در زمان «المعز لدین‌الله» خلیفه چهارم فاطمی به بالاترین مقام رسید و منصب قاضی‌القضاة را از طرف معز دریافت نمود. وقتی المعز لدین‌الله به سوی مصر حرکت نمود، قاضی‌نعمان ملازم او بود تا این که در ۲۹ جمادی الآخر یا رجب سال ۳۶۳ قمری وفات نمود و معز در مرگ او بسیار ناراحت گردید و خود بر او نماز گزارد.^۳

اولاد قاضی‌نعمان

به گفته حاج شیخ عباس قمی رحمته‌الله قاضی‌نعمان اولادی صالح و نجیب داشت که بعد از پدر برای خلفای فاطمی خدمات فراوان انجام دادند. فرزندان قاضی‌نعمان عبارتند از:

۱. ابوالحسن علی‌بن‌نعمان که بعد از پدر قاضی المعز لدین‌الله اسماعیلی بود و در فنون قضا و قیام، علم فقه، علم عرب، ادب و شعر تبحر داشت و در سال ۳۷۴ قمری در مصر وفات یافت.

۲. ابوعبدالله محمدبن‌نعمان بعد از برادر به منصب قضاوت نشست و در فضل مثل برادرش بود. ابن ذولاق^۴ می‌گوید: «مثل ابوعبدالله محمدبن‌نعمان، قاضی برجسته در مصر و عراق ندیدم» وی در سال ۳۸۹ قمری در مصر وفات یافت.^۱

۱. المجالس و المسایرات، ص ۸.

۲. همان، ص ۸ - ۹.

۳. شرح‌الاجبار، ص ۳۲.

۴. ابن زولاق، تاریخ‌نویس بود و کتاب اخبار فضات مصر را او نگاشت شرح حال وی تنها همین مقدار در وئیات‌الاعیان، ج ۵، ص ۴۱۶ آمده است.

مذهب قاضی نعمان

أصف فیضی می گوید:

قاضی نعمان از ابتدای تولد اسماعیلی بوده است.^۱

دکتر مصطفی غالب درباره مذهب قاضی نعمان می گوید:

او اسماعیلی مذهب است و از پدر و مادر اسماعیلی به دنیا آمده، یعنی پدر و مادر وی نیز اسماعیلی مذهب بوده‌اند. قاضی نعمان برای مذهب اسماعیلی خدمات فراوان انجام داد و آثار زیادی در علوم مختلف از خود به جای گذاشت؛ آثاری در فقه، مناظره، تأویل، ارشاد و وعظ.^۲

أصف فیض نیز می گوید:

مالکی بودن و اثناعشری بودن قاضی نعمان در صورت وجود و صحت خبر آن، بر حسب تقیه بوده است.^۳

نظر علمای شیعه درباره مذهب قاضی نعمان

علامه مجلسی می گوید:

قاضی نعمان ابتدا مالکی مذهب بود. سپس امامی شده و تا امام صادق علیه السلام بیشتر روایت نقل نمی کند و از ترس خلفای فاطمی تقیه می نموده است. بیشتر اخبار کتاب دعائم الاسلام او در کتب مشهور ما موجود است و این اخبار تأیید می شود.^۴

محدث نوری می گوید:

تأکید بر این است که قاضی نعمان امامی اثناعشری است و تقیه می نموده؛ زیرا در برابر خلفای فاطمی دارای منصب بوده است.

میرزا نوری در خاتمه مستدرک بحث مفصل دارد و نزدیک به ۳۱ صفحه راجع به کتاب دعائم الاسلام و حدود سه صفحه درباره کتاب شرح الاخبار بحث می کند.^۵

۱. حاج شیخ عباس قمی، الکتبی و القاب، ج ۱، ص ۵۷، چاپ پنجم، مکتبه صدر، تهران، ۱۳۶۸ شمسی؛ المجالس و المسایرات، ص ۱۰.

۲. المجالس و المسایرات، ص ۷.

۳. تاریخ الدعوة الاسماعیلیه، ص ۱۹۸.

۴. المجالس و المسایرات، ص ۷.

۵. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸.

محدث نوری چندین روایت نقل می‌کند که چون قاضی‌نعمان در کتاب دعائم خود از ائمه بعد از امام صادق علیه السلام سخن آورده است، این بر اثنا عشری بودن او دلالت می‌کند. شیخ محمد بن حسن حر عاملی نیز می‌گوید:

قاضی‌نعمان شیعه امامی اثنا عشری بوده و تقیه می‌نموده است.^۲

در کتاب *نامه دانشوران ناصری* که چند نفر آن را نوشته‌اند، آمده است:

قاضی‌نعمان عالم بی‌مانند و فقیهی سعادت‌مند بود که در اوایل بر مذهب مالکی قدم راسخ داشت. پس از آن راه منعطف شده امامیه را در پیش گرفت. نعمان در زمانی که خلفای اسماعیلی بر مصر استیلا داشتند، آن فاضل عامل، علامه دهر بلکه یتیمه عصر بود و از آن‌رو به پاس تقیه که از حکمت‌های محکمه الهی است، به ذکر مناقب شش امامی اقتصار جست و از شرح فضایل موسی بن جعفر و ابنای طیبین و طاهرین آن حضرت بازماند. بدان جهت برخی از علما مانند ابن شهر آشوب و دیگران گمان نموده‌اند که آن عالم فرزانه از سلسله اثنا عشری نبوده است، بلکه اسماعیلی بوده است: ولی این توقع زیاد بی‌محل است و صحت عقیده آن فرزانه از وصمت این‌گونه توهم منزّه است و علمای خاصه و عامه و کافه محدثین و اکثر از اهل رجال تصریح نموده‌اند که قاضی‌نعمان امامی اثنا عشری بوده است.^۳

به ادعای کاظمی قاضی‌نعمان از افاضل امامیه به شمار می‌آید و فقط از امام صادق علیه السلام روایت نقل نموده است.^۴

سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبایی رحمته الله علیه درباره قاضی‌نعمان می‌گوید:

وی امامی اثنا عشری است و از طرف خلفای فاطمی منصب قضاوت را عهده‌دار بوده است، آنها به امامت اسماعیل بن جعفر علیه السلام سپس اولاد اسماعیل قائل هستند و قاضی‌نعمان در آثار خود تقیه می‌نمود؛ به دلیل این که از امام صادق علیه السلام آشکارا روایت می‌کند و لا کتبه مشترک از امامان بعد از حضرت صادق علیه السلام نیز روایت می‌نماید، مثلاً از امام رضا علیه السلام به عنوان ابی‌الحسن روایت می‌کند و از امام جواد علیه السلام به عنوان ابی‌جعفر روایت نقل می‌نماید.^۵

۱. خاتمه مستدرک، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲. *امل‌الامل*، ج ۲، ص ۳۳۴، چاپ اول، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۵ قمری.

۳. ج ۱، ص ۱۵۹ - ۱۵۸، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر و دارالعلم، قم بی‌تا. «در شرح حال ۶۰۰ تن از دانشمندان نامی».

۴. شرح‌الاجبار، ج ۱، ص ۲۸.

۵. *الفوائد الرجالیة*، ج ۲، ص ۵؛ شیخ آقا بزرگ تهرانی، *الدریعه*، ج ۱، ص ۶۰ - ۶۱ مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی‌تا.

علامه مامقانی^۱ به نقل از ابن خلکان می‌گوید: «قاضی نعمان ابتدا مالکی بود بعد امامی اثناعشری شد.» وی کتاب دعائم الاسلام او را بهترین کتاب معرفی می‌کند و می‌گوید: «قاضی نعمان در رد مخالفان اهل بیت کتاب زیاد نوشته است.» وی بر ابن شهر آشوب که قاضی نعمان را امامی نمی‌داند سخت می‌تازد و این‌گونه استدلال می‌کند:

قاضی نعمان امامی است؛ زیرا کتاب در اثبات امامت و فضایل اهل بیت نوشته است و معنا ندارد کسی امامی نباشد اما درباره اثبات امامت و فضایل اهل بیت^۲ در رد مخالفان آنها کتاب بنویسد.

البته برای اثناعشری بودن او دلیلی ذکر نمی‌کند.^۱

شیخ آقا بزرگ تهرانی^۲ قاضی نعمان را امامی اثناعشری می‌داند و می‌گوید که خاصه و عامه به تشیع او اعتراف دارد و از ابن ذولاق نقل می‌کند که قاضی نعمان هزاران ورق درباره اهل بیت^۳ کتاب نوشت و درباره مخالفین اهل بیت ردودی دارد، مثل رد بر ابی حنیفه و رد بر مالک و رد بر شافعی، وی می‌گوید قاضی نعمان تقیه می‌نموده است و بر اثناعشری بودن وی این نکته را ذکر می‌کند که از امام رضا^۴ با لقب ابوالحسن و از امام جواد^۵ با کنیه ابی جعفر روایت نقل می‌کند.^۲

حاج شیخ عباس قمی در کتاب الفوائد الرضویه، و تحفة الاحباب و کتاب الکنی واللقاب راجع به قاضی نعمان بحث می‌کند و می‌گوید:

او ابتدا مالکی بوده سپس امامی اثناعشری شده و کتاب‌های زیادی را در طریق امامی نوشته است.^۳

میرزا عبدالله افندی اصفهانی می‌گوید:

در مذهب قاضی نعمان اختلاف است. یک قول گفته که اسماعیلی مذهب است و از مالکی، اسماعیلی شده. قول دیگر می‌گوید او امامی اثناعشری است و نزد من او اثناعشری است.

ولی بلافاصله در اثناعشری بودن قاضی نعمان مناقشه می‌کند. و می‌گوید:

نهایت چیزی که از سخن ابن خلکان و امثال او فهمیده می‌شود، این است که قاضی نعمان مالکی بوده و امامی شده و اثناعشری بودن او اثبات نمی‌گردد؛ زیرا

۱. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۷۳، مطبعة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۲ قمری.

۲. الذریعه، ج ۶، ص ۶۰ - ۶۱

۳. الکنی و اللقب، ج ۱، ص ۵۷.

امامی، سایر مذاهب شیعه را تماماً در بر می‌گیرد، پس از کجا می‌داند اصحاب ما که اسماعیلی نبوده و از خلفای فاطمی تقیه می‌نموده است، تقیه نمودن او یک احتمال است و در حقیقت دلیل محکمی وجود ندارد که او اسماعیلی نباشد؛ چنان‌که ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* تصریح دارد که قاضی‌نعمان امامی نیست.^۱

سید محسن امین می‌گوید: «قاضی‌نعمان مالکی بوده بعد امامی شده است».^۲

محمد تقی شوشتری می‌گوید: «امامی است؛ زیرا از امام جواد علیه السلام با لقب ابی‌جعفر روایت می‌کند».^۳

مخالفت برخی علمای امامیه به دوازده‌امامی و یا شیعه بودن قاضی‌نعمان

میرزا محمدباقر موسوی خوانساری می‌گوید:

نزد من آشکار است که قاضی‌نعمان امامی‌مذهب نیست، اگرچه در آثار خود تمایلش را به سوی اهل‌بیت علیهم السلام نشان می‌دهد و روایات و احادیث زیادی در فضیلت اهل‌بیت علیهم السلام نقل می‌کند. شاید این کار قاضی‌نعمان برای خوش‌نامی نزد خلفای فاطمی باشد که خودش و اولادش را نزد آنها مقرب کند و به جهت مصلحت خود و اولادش این کار را انجام داده است. اگر قاضی‌نعمان شیعه امامی بود، سلف صالح و قدمای حاذق او را معرفی می‌نمودند و امامی بودن او تا زمان صاحب *اسل‌الآمل* مخفی نمی‌ماند. صاحب *اسل‌الآمل* یعنی شیخ حر عاملی زودباور است و افراط در صداقت دارد، جایی که ابوالفرج اصفهانی آن اموی خبیث را شیعه می‌داند و این صاحب *اسل‌الآمل* بود که قاضی‌نعمان را امامی معرفی نمود. ابن‌شهر آشوب نیز قاضی‌نعمان را امامی نمی‌داند.^۴

محمدبن اردبیلی نیز قاضی‌نعمان را امامی نمی‌داند.^۵

حسین تفرشی نیز می‌نویسد، قاضی‌نعمان امامی نیست.^۶

ابن‌شهر آشوب می‌گوید، ابن‌قیاض نعمان امامی نیست که منظور او همان قاضی‌نعمان است؛ زیرا در *مناقب* از او به اسم قاضی‌نعمان روایت نقل می‌کند.^۱

۱. *ریاض العلماء*، ج ۵، ص ۲۷۵ - ۲۷۸، چاپ خیام، قم، ۱۴۰۱ قمری.

۲. *اهیان الشیعه*، ج ۵، ص ۱۳، مطبعة الانصاف، بیروت، ۱۹۶۱.

۳. *قاموس الرجال*، ج ۹، ص ۲۲۳، مرکز نشرالکتاب، تهران، ۱۳۸۸ قمری.

۴. *روضات الجنات*، ج ۸، ص ۱۳۸، چاپ اول، دارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۱ قمری.

۵. *جامع الرواه*، ج ۲، ص ۲۹۵، نشر مصطفوی، قم بی‌تا.

۶. *تقدیر الرجال*، ج ۵، ص ۱۷، چاپ اول، چاپ ستاره، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۸ قمری.

ابوعلی حائری نیز قاضی نعمان را امامی نمی‌داند.^۱
قاضی نورالله شوشتری می‌گوید، قاضی نعمان مالکی بود، امامی شد و در اثنا عشری بودن او ساکت می‌ماند.^۲ شاید هم امامیه بودن را همان اثنا عشری می‌داند.

نظریه علمای اهل سنت درباره مذهب قاضی نعمان

ابن خلکان می‌نویسد:

قاضی نعمان در ابتدا مالکی بود، تغییر عقیده داد و امامی شد.^۳

ابن عماد حنبلی می‌گوید:

قاضی نعمان در ظاهر شیعه و در باطن زندیق بود.

وی زندیق را این گونه معنا می‌کند:

وهو قوم یحکمون بأن لكل ظاهر باطناً و لكل تنزیل تأویلاً.^۴

ابن تغری بردی می‌گوید:

قاضی نعمان حنفی مذهب بوده است؛ زیرا مذهب غالب مردم آن دوره حنفی بود و بعد به مالکی تحول پیدا نمودند.^۵

یافعی می‌گوید: «مالکی بود، امامی شد.»^۶

صلاح‌الدین صفدی می‌گوید:

مالکی بود، امامی شد و تصانیف او بر زندیق بودنش دلالت می‌کند.^۷

ابن حجر نیز می‌گوید: «قاضی نعمان امامی است.»^۸

۱. معالم‌العلماء، ص ۱۲۶، مطبعه‌الحیدریه، نجف، ۱۳۸۰ قمری.

۲. منتهی‌المقال، ج ۶ ص ۳۸۶، چاپ اول، چاپ ستاره، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۶ قمری.

۳. مجالس‌المؤمنین، ج ۱، ص ۵۳۸، چاپ چهارم، انتشارات اسلامیة، بی‌جا، ۱۳۷۷ شمسی.

۴. وفيات‌الاهیاء، ج ۵، ص ۴۱۵.

۵. شذرات‌الذهب، ج ۳، ص ۱۵۳، چاپ اول، دارالکتب‌العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ قمری.

۶. النجوم، ج ۴، ص ۱۰۷، دارالکتب، بی‌تا.

۷. مرآة‌الجنان، ج ۲، ص ۳۷۹، چاپ دوم، مؤسسه الاعملی‌للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ قمری.

۸. الوافی‌بالوفیات، ج ۲۷، ص ۹۵، چاپ اول، داراحیاء‌التراث‌العربی، بیروت، ۱۴۲۰ قمری.

۹. لسان‌المیزان، ج ۶ ص ۱۶۷، چاپ سوم، مؤسسه‌الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۶ قمری.

دوازده امامی نبودن قاضی نعمان

دلایل زیادی وجود دارد که قاضی نعمان اسماعیلی مذهب بوده است نه شیعه اثنا عشری؛ از جمله:

اولین بار علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ قمری) در کتاب بحار ادعا کرد که قاضی نعمان شیعه اثنا عشری است. وی در تأیید ادعای خود دلیل محکمی نمی آورد و به دو دلیل استناد می کند: این که ابن خلکان در *وفیات الاعیان* گفته قاضی نعمان مالکی مذهب بود، تغییر عقیده داد و امامی مذهب شد؛ ۲. اکثریت روایاتی که قاضی نعمان در کتاب *دعائم الاسلام* نقل نموده در کتب مشهور ما هست.

در جواب باید گفت، اولاً ابن خلکان فقط می گوید قاضی نعمان امامی شد و این گفته او همه مذاهب شیعه را به معنای عام دربرمی گیرد و اسماعیلی بودن قاضی نعمان را رد نمی کند.

ثانیاً علامه مجلسی حرف ابن خلکان را قبول می کند، ولی حرف ابن شهر آشوب را که متوفای ۵۸۸ قمری و قبل از ابن خلکان است نمی پذیرد و می گوید نعمان امامی نیست. این گفته علامه مجلسی که اکثر روایات کتاب *دعائم الاسلام* قاضی نعمان در کتب مشهور ما هست، دلیل نمی شود که قاضی نعمان امامی اثنا عشری باشد؛ زیرا قاضی نعمان بیشتر روایت دعائم را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند و این طبیعی است که این گونه روایات در کتب مشهور ما باشد؛ زیرا هم ما و هم اسماعیلیه امام صادق علیه السلام را امام می دانیم.

این که بعضی ها مثل محدث نوری و دیگران ادعا کرده که قاضی نعمان تقیه می نموده و از امامان بعد از امام صادق علیه السلام با کنیه و لقب مشترک روایت نقل کرده مثلاً امام رضا علیه السلام را با لقب ابوالحسن و یا امام جواد علیه السلام را با لقب ابی جعفر خطاب نموده و یا این که از ابن ابی عمیر روایت نقل می کند، در حالی که ابن ابی عمیر امام صادق علیه السلام را درک نکرده و ائمه بعدی را درک نموده، دلیلی قانع کننده نیست؛ زیرا در چاپ های شیعه اثنا عشری از این کتاب، روایت ابن ابی عمیر هست ولی در چاپ های اسماعیلیه، این روایت وجود ندارد و صرف ذکر لقب مشترک، دلیل نمی شود که قاضی نعمان امامی اثنا عشری باشد. معلوم نیست لقب مشترک درباره ائمه بعد از امام صادق علیه السلام باشد و این احتمال وجود دارد که لقب مشترک درباره ائمه قبل از امام صادق علیه السلام باشد.

علامه مامقانی استدلال می کند، چون قاضی نعمان در فضیلت اهل بیت علیهم السلام کتاب نوشته و در مثالب مخالفان اهل بیت علیهم السلام نیز کتاب تألیف نموده، بنابراین شیعه اثناعشری است؛ زیرا معنا ندارد غیر شیعی این گونه کتاب بنویسد.

در جواب باید گفت: شیعه بودن قاضی نعمان با این نوع استدلال ثابت می شود ولی شیعه اثناعشری بودن وی ثابت نمی گردد؛ زیرا قاضی نعمان تا امام صادق علیه السلام فضایل ائمه را می نویسد و این اسماعیلی بودن وی را ثابت می کند نه اثناعشری بودن او را.

قدمای از امامیه اثناعشری درباره قاضی نعمان ساکت مانده اند و چیزی درباره او ذکر نکرده اند. اگر وی اثناعشری بود، قطعاً آنها از او یاد می نمودند. بلکه قدیمی ترین منبع *معالم العلماء* ابن شهر آشوب، اثناعشری بودن وی را نفی می کند. بنابراین، قاضی نعمان شیعه اثناعشری نیست، بلکه اسماعیلی مذهب است.

علمای شیعه ای که به اثناعشری بودن قاضی نعمان قائل هستند، دلیل محکمی ندارند و فقط به گفته ابن خلکان و علامه مجلسی استناد نموده اند و در مرحله بعدی تمام آنها از متأخران هستند.

اسماعیلی بودن قاضی نعمان در آئینه آثار او

آثار و نوشته های قاضی نعمان محکم ترین دلیلی است که بر اسماعیلی بودن وی دلالت می کند. او در آثار خود خلفای چهارگانه فاطمی را در حد معصومان علیهم السلام بالا می برد که این با آموزه های شیعه اثناعشری منافات دارد. او احادیث در باب امام مهدی علیه السلام را بر خلیفه اول فاطمی (عبیدالله مهدی) تطبیق می دهند و وی را امام زمان می دانند و در حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت می کند، مقام او را در حد امام معصوم بالا می برد:

روی عن جعفر بن محمد صلوات الله عليه انه قال: من المهدى و من المنصور^۱

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می آورد:

فتوشک ایام الجبارین ان تنقطع ثم یاتی الجبار الذی یجبر الله به امة محمد و

هو المهدی ثم المنصور الذی ینصر الله به الدین.^۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند:

۱. *التاریخ الذمویة*، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۶.

يقوم رجل من ولدى على مقدمته رجل يقال له: المنصور يوطأله او قال: يمكن له واجب على كل مؤمن نصرته او قال اجابته.

قاضى نعمان به دنبال اين حديث مى گويد:

و كان بين يدي المهدي «الخليفة الفاطمي» خرج ابوالقاسم صاحب دعوة اليمين و كان بسمى المنصور و هو وطأ و ممكن للمهدي، ولأن اباعبدالله صاحب الدعوة المغرب الذي و طأ و ممكن للمهدي.¹

در روايت ديگر مى آورد:

و عنه صلى الله عليه و آله، انه قال: لا بد من قائم من ولد فاطمه يقوم من المغرب بين الخمسة الى السبعة يكسر شوكة المتدعين و يقتل الضالين.²

قاضى نعمان در توضيح اين حديث مى گويد:

همين مهدي خليفه اول فاطمی از مغرب قيام كرد و دعوت خود را آشكار نمود.³

وى خلفای فاطمی را معصوم و امام عصر مى داند و در آثار خود به آنها همين گونه خطاب مى کند:

... و الفتة بان عرضته على ولى الامر و صاحب الزمان و العصر مولای الامام المعز لدين الله امير المؤمنين صلوة الله عليه.⁴

اين گونه تعابير، با آموزه های شيعه اثناعشری سازگار نيست و تقيه هم دليلی قانع کننده برای اين گونه تعابير نمى تواند باشد. اين تعابير درباره خلفای فاطمی، دلالت مى کند که قاضى نعمان اسماعیلی مذهب است.

آثار قاضى نعمان

آثار زيادى را به قاضى نعمان نسبت مى دهند. نقل شده است، سيد محمدحسين جلالی تعداد پنجاه اثر از او نام مى برد.¹ مصطفى غالب نيز همين تعداد آثار را برای او ذکر مى کند که اسم بردن آنها ممکن نيست. آثار تاريخی و معروف او عبارتند از:

۱. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۳۱ - ۳۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۶۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۸۷.

- کتاب دعائم السلام که فقهی و اعتقادی است؛

- کتاب المجالس و المسایرات که بهترین مصدر درباره خلفای فاطمی و تاریخ و عقاید آنها به شمار می آید؛

- کتاب افتتاح الدعوة، درباره داعیان و شروع دعوت اسماعیلی و تشکیل دولت آنهاست.

- کتاب شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار.

کتاب شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار

شرح الاخبار کتاب کم یابی است که به راحتی به نسخه های آن نمی توان دست یافت؛ زیرا دارای جزءهای متعدد است و هر جزیی در کشورهای مختلف قرار دارد و نسخ آن نایاب است؛ چون فرقه اسماعیلیه آثار و کتاب هایشان را در اختیار دیگران قرار نمی دهند و مخفی می کنند تا دیگران از اسرار آنها آگاه نشوند.

سیدمحمدحسین جلالی این کتاب را تحقیق و استخراج نمود. وی برای جمع آوری اجزای مختلف کتاب و تنظیم آن زحمات فراوانی کشیده و آن را در سه جلد تنظیم نمود. نسخه های مورد اعتماد وی در تحقیق و استخراج کتاب عبارتند از:

۱. نسخه کتابخانه تهران که در آن جزء ۱- ۷ است. این نسخه نزد میرزا نوری صاحب کتاب مستدرک الوسائل بوده و از ایشان به سیدمحمد مشکاه رسیده و او در سال ۱۳۲۸ شمسی به کتابخانه تهران اهدا نموده است. وی می گوید:

عثر بحمد الله تعالی علی نسخه عتیقه منه الا انه ناقص من اوله و آخر اظنه
اوراقاً یسیره؛^۲

سپاس خداوند را که بر نسخه عتیقه ای از این کتاب دست یافتیم. گمان می کنم از اول و آخر آن اوراق کمی ناقص باشد.

۲. دو نسخه از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛

الف) نسخه ای خطی که در آن جزءهای ۱، ۲، ۴ و ۶ قرار دارد و به خط محمدبن یوسف علی است؛

۱. همان، ج ۱، ص ۴۲ - ۷۰.

۲. خاتمه مستدرک، ج ۱، ص ۱۶۰.

ب) نسخه خطی دیگری به خط ابن عبدالعلی المبارکسفوری الاعظمی در دو جلد و جزءهای ۱، ۶ و ۷ و ۸ در آن هست. روی جلد اول تاریخ ۱۳۵۰ شمسی نوشته شده و روی جلد دوم تاریخ ۱۳۱۶ شمسی روی آن حک شده است.^۱

۳. نسخه ۲۲۷ صفحه کپی شده‌ای که در آن جزءهای ۱، ۲، ۴، ۶ و ۷ هست و این هم تاریخ ندارد و هم ناسخ.

۴. نسخه ۲۶۷ صفحه کپی برداری شده دیگری که در آن جزءهای ۹ و ۱۲ است و ناسخ و تاریخ ندارد.

۵. نسخه کپی شده سومی که در آن جزءهای ۶ و ۱۰ قرار دارد.

۶. نسخه ۲۸۵ صفحه کپی شده چهارمی که در آن جزء ۱۳ و ۱۶ است. تاریخ سال ۱۲۹۵ قمری بر روی آن نوشته شده و در کتابخانه اسماعیلیه شهر بمبئی موجود است.

۷. نسخه ۱۵۵ صفحه کپی شده پنجمی که جزء ۱۳ و ۱۴ در آن هست و در کتابخانه لندن موجود است.^۲

معرفی کتاب شرح الاخبار

کتاب شرح الاخبار نقاط مهم زندگانی معصومان علیهم‌السلام از امام علی علیه‌السلام تا امام جعفر صادق علیه‌السلام را شرح می‌دهد و فضایل آنان را بیان می‌کند و از احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این جهت استفاده می‌کند. بیشترین قسمت کتاب به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام اختصاص دارد به گونه‌ای که از شانزده جزء کتاب، تقریباً ده جزء آن درباره شرح حال و فضایل حضرت علی علیه‌السلام است و جنگ‌های آن حضرت را نیز شامل می‌شود. این کتاب بر اساس فهرست‌بندی که مجدوع نقل می‌کند، شانزده جزء است:

جزء اول: در توضیح حدیث «انا مدینة العلم و علی بابها»؛

جزء دوم: در بیان سبقت ایمان امام علی علیه‌السلام؛

جزء سوم: در بیان جهاد حضرت علی علیه‌السلام؛

جزء چهارم: درباره جهاد آن حضرت با ناکشین، قاسطین و مارقین؛

جزء پنجم: در اخبار صفین؛

جزء ششم: در احتجاج امیرالمؤمنین علیه‌السلام با قاسطین؛

۱. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۸-۹.

- جزء هفتم: در مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام و ردّ حشویه؛
 جزء هشتم: درباره اخباری که در اطاعت حضرت علی علیه السلام آمده؛
 جزء نهم: در باب آن چه از وحی و قرآن درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده؛
 جزء دهم: درباره معاویه؛
 جزء یازدهم: راجع به اخباری که اجمالاً درباره اهل بیت علیهم السلام وارد شده؛
 جزء دوازدهم: در نقل فضائل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام؛
 جزء سیزدهم: شهادت امام حسین علیه السلام؛
 جزء چهاردهم: در ذکر جعفر بن محمد علیه السلام و اولاد او؛
 جزء پانزدهم: در ذکر اخبار مهدی علیه السلام؛
 جزء شانزدهم: در صفات شیعه علی علیه السلام؛^۱

دسته‌بندی آقای حسین جلالی در شانزده جزء با دسته‌بندی مجدوع اندکی تفاوت دارد، آقای جلالی شانزده جزء را در سه جلد تنظیم نموده است. جزء اول تا چهارم در جلد اول، جزء پنجم تا یازدهم در جلد دوم و جزء یازدهم تا شانزدهم در جلد سوم قرار دارد و ترتیب اجزای شانزده‌گانه وی با فهرست مجدوع تفاوت چندانی ندارد.

مصادر کتاب شرح الاخبار

با توجه به این که قاضی نعمان در دربار خلفای فاطمی بوده، از امکانات آنها نیز بهره برده است. خلفای فاطمی کتاب‌خانه‌های بسیار غنی داشته‌اند و وی بی‌شک از این کتاب‌خانه‌ها استفاده نموده است، به‌ویژه از کتاب‌خانه المعز لدین‌الله که دو کتاب‌خانه یکی در شهر منصوریه و دیگری در شهر قاهره داشته است. وی به‌طور طبیعی در تدوین کتاب شرح الاخبار از منابع فراوانی که در اختیار داشته، استفاده نموده، ولی با وجود دسترسی به این منابع فراوان، با کمال تأسف تمام مصادر خود را که از آنها استفاده نموده، نام نبرده و اسم منابع بسیار اندکی را ذکر کرده است. البته امکان دارد شیوه قاضی نعمان این بوده که از هرکس حدیث نقل کرده و نام او را ذکر نموده، این احادیث را از کتب آنها گرفته باشد. مصادر این کتاب عبارتند از:

۱. مغازی محمدبن اسحاق بن یسار مطلبی، متوفای ۱۵۱ قمری؛
۲. مغازی واقدی محمدبن واقدالاسلمی، متوفای ۲۰۷ قمری؛

۱. فهرست مجدوع، ص ۶۹ - ۷۰ به نقل از شرح الاخبار، ج ۱، ص ۷۲.

۳. کتاب علی بن هاشم قمی متوفای ۳۲۹ قمری که یکی از مشایخ کلینی است؛
 ۴. از احمد بن شعیب بن علی بن بحر النسای متوفای ۳۰۳ قمری حدیث نقل می‌کند که امکان دارد از کتاب المناقب او باشد؛
 ۵. از کتاب القدير محمد بن جریر ابو جعفر الطبری متوفای ۳۱۰ قمری^۱.

امتیازات کتاب شرح الاخبار

۱. تکراری نبودن روایات؛
۲. اختصار در ذکر اسناد؛
۳. روایاتی را می‌آورد که از طریق معروف نقل شده است؛
۴. اخبار صحیح و مشهور را نقل می‌کند؛
۵. اخبار واحد که از طریق واحد نقل شده، با توجه با کثرت آن و راه‌های مختلف نقل آن، فقط یکی از اسناد آن را نقل می‌کند؛
۶. دسته‌بندی کتاب در شانزده جزء.
- این کتاب دو نقص دارد:
- ذکر نکردن همه اسناد روایات؛
- نام نبردن از همه منابع.

روش قاضی نعمان در تدوین کتاب

قاضی نعمان چیزی را نمی‌نوشت مگر این که بر خلفای فاطمی عرضه می‌نمود و با ارشاد و موافقت آنها به نشر کتب می‌پرداخت و افکار آنها را خالصانه نشر می‌نمود؛ چنان که خود به این نکته اشاره می‌کند:

جمعیت من الآثار فی فضل الائمة الاطهار حسب ما وجدته وغایته ما املیة و استصفیة فصحت من ذلك ما بسطه فی کتابی هذا و الفة بان عرضة علی ولی الامر و صاحب الزمان و العصر مولای الامام المعز لدین الله امیر المؤمنین صلواة علیه.^۲

روش وی نیز در ذکر روایات بدین طریق بوده است:
 - حذف اسناد روایت؛

۱. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۷۹ - ۸۱

۲. همان، ج ۱، ص ۷۶ - ۷۷.

- نیاوردن روایات تکراری؛
- پرهیز از مطالب تکراری؛
- ارجاع به کتب دیگر خودش.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی